

## نحوه اداره مدارس از آغاز اسلام تا تاسیس دارالفنون

### بابک نوروزی

دانشجوی کارشناسی آموزش ریاضی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید مدرس کردستان، تهران، ایران

---

#### چکیده

این مقاله به بررسی تغییرات و تحولاتی که در نحوه اداره مدارس از زمان اسلام تا تاسیس دارالفنون رخ داده است، می‌پردازد. در آغاز اسلام، مدارس به عنوان مکان‌هایی برای آموزش علوم دینی و علوم عقلی شکل گرفتند. در این دوران، مدارس به عنوان مکان‌هایی برای آموزش علوم دینی و زبان‌های عربی و فارسی شناخته می‌شدند. معلمان و استادان به عنوان افراد مورد احترام و اعتبار شناخته می‌شدند و آموزش و پرورش به عنوان یک وظیفه مقدس در جامعه محسوب می‌شد. با توجه به تحولات و تغییرات مذکور، نحوه اداره مدارس از آغاز اسلام تا تاسیس دارالفنون را می‌توان به عنوان یک فرآیند پویا و پیچیده در نظر گرفت که تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه اسلامی داشته است.

**کلید واژه‌ها:** مدارس، طلبه، مدرس، تعلیم، علما، دارالفنون، اسلام.

---

## مقدمه

اداره مدارس از آغاز اسلام تا قبل از تاسیس دارالفنون، یکی از موضوعات مهم در تاریخ اسلامی است که بررسی آن به درک بهتر از روند تحولات آموزشی در جوامع اسلامی کمک می‌کند. با وجود این که مدارس در دوران اولیه اسلامی وجود داشتند، اما با گذر زمان و تحولات اجتماعی و فرهنگی، روش‌های اداره مدارس نیز تغییر کرد. در این مقاله، به بررسی نحوه اداره مدارس در دوران اولیه اسلامی، دوران عباسی، دوران سلجوقیان و دوران صفویه پرداخته خواهد شد. همچنین، نقش دانشگاه‌ها و مدارس حوزوی در آموزش و پرورش در دوران قبل از تاسیس دارالفنون نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به اینکه آموزش و پرورش همواره یکی از مهمترین عوامل تحول و تغییر در جوامع اسلامی بوده است، بررسی نحوه اداره مدارس در این دوره‌ها، به درک بهتر از تحولات فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی کمک خواهد کرد.

## کلاس درس و مواد درسی

رسم بود که شاگردان به دور مدرس به صورت حلقه وار و به نشان ادب بر روی دو زانو و دست هایشان را بر روی زانویشان گذاشته و می‌نشستند. به دلیل نحوه نشستن به این محافل حلقه می‌گفتند و حلقه را با نام درس یا مدرس می‌شناختند؛ بر فرض مثال حلقه ابو رضا یا حلقه فقه. حلقه‌ها در مساجد برگزار می‌شد و گاهی در مساجد به صورت همزمان چند حلقه تشکیل می‌شد. جالب بود که حتی بعد از احداث مدارس در قرن چهارم بازهم حلقه‌های زیادی در مساجد برپا می‌شد.

مافروخی در کتاب (محاسن اصفهان) در مورد مسجد عتیق در نیمه دوم قرن پنجم، می‌نویسد: (در هر نمازی از نمازهای پنجگانه کمتر از پنج هزار مرد صف نیستی و هر ستونی ازو مستند شیخی بودی، مزین و آراسته و محلی و پیراسته بنظارت واعظان و جریان مجارات صوفیان و بشارت اشارت عارفان و زینت ملازمت معتکفان و جماعتی از اهل اصفهان جهت استفاده ریاضت نفس بزناوی ادب درآمد حلقه درس او در گوش هوش می‌کشیدندی) (مافروخی اصفهانی، ۱۳۸۵، ۶۲ پ).

بعد از احداث مدارس، خانقاه‌ها و رباط‌ها، کم‌کم تغییر نام پیدا کرده و به آن مجالس می‌گفتند. حلقه‌ها و مجالس وعظ و حدیث در ابتدا به ندرت دائمی و مستمر بود. حلقه‌های فقه، نخستین حلقه‌های دائمی و شلوغ تر از سایر حلقه‌ها بود؛ زیرا آنها علمی را یاد می‌گرفتند که می‌توانستند به وسیله آن به مشاغل معتبری دست یابند. مجالس متعددی همانند مجلس تدریس، مناظره (بعد از زمان مامون)، حدیث، مذاکره، ادب، شعرا و غیره وجود داشت که هر کدام اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. (Munir-ud-Din, ۱۹۶۸, pp. ۵۵-۸۵) سخنرانی‌های آموزشی تحت عنوان (محاضره) و سخنرانی‌های مذهبی برای عموم مردم تحت عنوان (خطبه) برگزار می‌شد.

یکی از معمول‌ترین شیوه‌های تدریس در آغاز قرون اسلامی، شیوه (املا) بود، به این ترتیب که معلم مطالب درس را برای شاگردان می‌خواند و آنها آن را می‌نوشتند و سپس توضیحات وی را در زیر یا حاشیه صفحات یادداشت می‌کردند. مجموعه مطالبی که به این ترتیب فراهم می‌شد، موسوم به (امالی) بود و امکان داشت که مدرس در پایان یک دوره درسی، امالی چند نفر را انتخاب و مطالعه کند نواقص و اشتباهات آن را برای اصلاح مکتوب تذکر دهد. برخی از طلاب که مجموعه دقیقی از مطالب درس را تهیه کرده بودند، تقاضای اجازه نقل و تدریس مطالب درس را می‌نمودند و مدرس با امضاء کردن امالی، این اجازه را به آنها می‌داد. این جزوه‌ها را نخستین آثار مسلمانان دانسته‌اند. (سلطان زاده، ۱۳۶۴، صص ۳۸۰-۸۱)

در قرن چهارم به تدریج معمول شد که عده‌ای از مدرسان متن درسی را که به وسیله یکی از طلاب خوانده می‌شد، توضیح دهند. شیوه تدریس همزمان با پیدایش و توسعه مدارس دچار تغییر و تحول شد، اما روش ساده تدریس با وجود تشکیلات جدید، همچنان در برخی از مدارس و مساجد تداوم یافت. (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۳۸۱)

ابن بطوطه که در قرن هشتم از مدرسه نظامیه و مستنصریه بغداد دیدن کرد، در مورد روش تدریس در مستنصریه می گوید که مدرس در هنگام تدریس در قبه چپی کوچکی بر فراز کرسی می نشست و در دو سوی او دو نفر معید قرار می گرفتند که هرچه وی املا می نمود، آنها تکرار می کردند. (ابن بطوطه، ۱۴۰۲، ج ۱، ص ۲۴۲) در این مدارس، افرادی موسوم به نایب مدرس، در صورت غیبت مدرس، به جای او به تدریس می پرداختند. از قرن چهارم به بعد، برخی از متون برای تدریس انتخاب می شد و از روی آن به تدریس می پرداختند.

ابن خلدون علوم متعارف را به دو گونه تقسیم نموده است؛ نخست دانش هایی که مقصود بالذات هستند، مثل علوم شرعی، از قبیل: تفسیر، حدیث، فقه و علم کلام و نیز طبیعیات و الهیات از فلسفه و دیگر علوم که ابزار و وسیله یادگیری علوم مزبور، مثل زبان عربی و حساب و منطق می باشند. سپس وی از شیوه ای که در آن وقت زیادی صرف فراگیری علوم علمی که ابزار و وسیله هستند، می شود، انتقاد می کند.

از قرن پنجم با روی کار آمدن حکومت غزنویان و سلجوقیان که بسیار متعصب و پیرو خلافت عباسی بودند تدریس علوم عقلی را ممنوع کردند تا حدی با علوم نقلی و ریاضی مخالف بودند و دشمنی می کردند که هرکس مثلاً درسی مانند هندسه را می دانست را احمق خطاب می کردند. این دشمنی و مخالفت با علوم نقلی و فلسفه در دوره صفویه به اوج خود رسید و به ممنوعیت تدریس اکتفا نکردند و آن را حرام دانستند.

تحصیل در حوزه های علمیه ایران در عهد معاصر به سه دوره مقدمات، سطح و خارج طبقه بندی شده است. طلاب در دوره مقدماتی مبادی صرف و نحو و عربی و منطق آشنا می شوند. این دوره، واقع مقدمه ای است برای آشنایی با علوم شرعی و گویا به طور معمول از چهار تا حدود هفت سال به طول می انجامد. دوره سطح از سه تا شش سال به طول می انجامد. در دوره خارج، مسایل مربوط به فقه و اصول به صورت گسترده و خارج از متن منابع، مورد بحث قرار می گیرد. هدف از این دوره ورود به مرحله اجتهاد است. طلابی که این دوره را به موفقیت به پایان برسانند و رساله ای در فقه و اصول تالیف کنند، در صورت تصدیق مدرس، موفق به اجازه اجتهاد می شوند و در این هنگام چنین کسی به درجه اجتهاد رسیده است.<sup>۱</sup>

تحصیل در مدارس مذهبی دارای زمان و مدت کاملاً مشخص و محدودی نبوده است و گاه معدود افراد علاقمند بوده اند که در مدت کوتاهی در اثر پشتکار و تلاش به درجه اجتهاد می رسیدند و نیز عده ای بوده اند که سالیان درازی را صرف تحصیل در دوره مقدمات می نمودند.

## مدرسان

یکی از ویژگی های مهم اسلام تاکید بر دانش آموزی و اهمیت تعلیم و تعلم است. به ویژه آموختن علم برای فراگیری قرآن و احکام و مسائل شرعی، از همان آغاز اسلام حلقه های درس در مساجد برپا می شد. در چنین فضایی که علم و علم آموزی در جایگاهی والا قرار دارد مبرهن است که علما و فقها از جایگاه والایی برخوردار باشند. امام محمد غزالی در احیاء علوم الدین علما را به دو گروه تقسیم بندی کرده اند و می فرماید: گروهی که بدون هیچ طمع و چشم داشتی به مردم می رسانند و گروهی دیگر در ازای کارشان می ستانند. (غزالی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۳)

در کتاب هایی که در مورد تعلیم و تربیت نوشته می شد، به معلمان و علما توصیه می کردند برای اجتناب از خواری و خفت، برای تدریس به خانه شاگردان خود نروند، تا به عنوان معلم سرخانه از ارزش علما نگاهند. (شهید ثانی، ۱۴۳۱، ص ۲۰۵) در

<sup>۱</sup> برای آگاهی از چگونگی تحصیل در حوزه های علمیه معاصر به جلد چهارم کتاب یک صد سال مبارزه روحانیت مترقی نوشته عقیقی بخشایشی و کتاب پژوهشی در نظام طلبگی اثر مهدی ضوابطی مراجعه شود.

بیشتر موارد هنگامی که از یک عالم معروف برای تدریس در مدرسه دعوت به عمل می آمد، تولیت و سرپرستی اوقاف و اداره امور مدرسه را هم به او واگذار می کردند و در مورد افراد سرشناس در طی منشوری مکتوب وظایف و اختیارات او را توضیح می دادند. (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۳۸۶)

### شاگردان

در نظام آموزشی قدیم تا قزن پنجم هجری ارزش علمی و کیفی هر حلقه یا مجلس درس تنها وابسته به مدرس آن بود و از آنجا که برخی از مدرسان در زمینه ای شهرت می یافتند؛ طلبه هایی که قصد داشتند موضوع یا رشته ای را به نحو احسن فراگیرند، می بایستی در صورت لزوم، مسافرت کنند و به شهری کی عالمی مشهور در آن بود، بروند. از قرن سوم هجری که به تدریج برخی از شهرها به سبب تجمع علما و فضای علمی موجود در آنها، بلند آوازه شد، بر تعداد و حجم سفرهای تحصیلی افزوده گشت و چنان شد که سیر و سفر یکی از شرایط و مراحل ضروری تعلیمات عالی محسوب گردید. (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۳۹۱)

در قرن پنجم هجری و پس از آن با وجود تاسیس مدارس معتبری مانند نظامیه بغداد و نیشابور و مستنصریه، از اهمیت نقش مدرسان کاسته نشد و سیر و سیاحت مثل دوره پیش از لوازم تحصیلات عالی بود. ابن خلدون در (مقدمه) به طلبه ها توصیه می کند که برای استفاده مستقیم از محضر مدرسان و مشایخ و آشنایی با روش و اصطلاحات هر یک، به سفر بروند (ابن خلدون، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۴۵).

در زمان خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، شش هزار طالب علم از نقاط مختلف سرزمین های اسلامی برای تحصیل به تبریز رفته بودند و همه آنها به علاوه هزار طالب علم دیگر و تعداد زیادی از واعظ و حافظان قرآن از خواجه رشید الدین مستماری واجب دریافت می کردند و در مدارس خواجه و فرزندان او مشغول تحصیل بودند (خواجه رشیدالدین فضل الله طبیب، ۱۳۶۴، ص ۳۱۹) به دلیل مسافرت و رفتن طالبان علم به شهرهایی که علما در آن شهرها بودند، از قرن چهارم به بعد فضای مدارس بیشتر به مسکن برای طلاب اختصاص می یافت.

تحصیل در عموم مدارس رایگان بود و در بیشتر موارد علاوه بر سکنی دادن طلاب مقداری مستماری نقدی یا جنسی به آنها داده می شد. مقدار مستماری در برخی از مدرسه ها بستگی به میزان تحصیلات افراد داشت و در ازای گذراندن هر دوره و یا اتمام هر کتاب، مقداری بر مستماری آنها افزوده می شد (کرمانی، ۱۳۲۶، ص ۲۸). در معدودی از مدرسه های معتبر مثل مستنصریه، به علت تعداد زیاد داوطلبان و برای بالا بردن کیفیت آموزش مدرسه، از شاگردان در هنگام ورود امتحان می گرفتند و سپس تعداد لازم را از بین آنها انتخاب می کردند (مظاهری، ۱۳۷۸، ص ۱۹۲).

تعداد طلبه های هر مدرسه بنا به وسعت و امکانات آن از حدود بیست تا چند صد نفر بود. در مستنصریه دویست و شصت و چهار نفر به تحصیل اشتغال داشتند. در برخی از منابع تاریخی درباره تعداد شاگردان بعضی از مدارس مثل نظامیه بغداد اغراق کرده اند و عده ای از محققین هم بدون بررسی و نقد، اقدام به نقل مطالب مزبور کرده اند و آن را شاهدی بر رونق مدارس دانسته اند؛ چنانکه تعداد شاگردان نظامیه بغداد را شش هزار نفر آورده اند (فشاهی، ۱۳۸۵، ص ۲۶۰).

درباره چگونگی انتخاب دروس و روش تحصیل، توصیه هایی در جهت راهنمایی شاگردان نوشته می شد. برای مثال، ابن خلدون این خلدون به هر یک از شاگردان سفارش کرده است که ابتدا منطق بخواند و سپس به فراگیری الفاظ و دلالت آنها بر معانی بپردازد و اگر نتوانست بر علوم مذکور مسلط شود، در آن مرحله توقف نکند، بلکه به تحصیل ادامه دهد تا اینکه در پی مدتی آموزش بتواند بر مشکلات غلبه نماید (ابن خلدون، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۳۳-۱۱۳۶).

شهیدثانی در منیه المرید در باب آداب و وظایف شاگرد در فراگیری علم و رفتار او با مدرس و همدرسی هایش مطالب مفصلی از جمله: رعایت مدارج علوم از لحاظ اهمیت، ارج نهادن به مدرس و تجلیل از مقام، تواضع و فروتنی در برابر مدرس، تحمل جور و تندروی های مدرس، عدم ایجاد مزاحمت برای اشتغالات مدرس، پیشدستی نکردن طلبه در پاسخ پرسشها در محضر مدرس، شهامت شاگرد در اعتراف به عدم درک مطلب علمی، حفظ حریم مدرس به هنگام جلوس و اقامه نماز، عدم مداخله در درس و سخن دیگران، رعایت نوبت در درس، کیفیت جلوس در محضر مدرس، رعایت موازین اخلاقی در نحوه مذاکرات درسی و بسیاری نکات دیگر، آورده است (شهید ثانی، ۱۴۳۱، باب اول).

تحصیل علوم به طور عمده در انحصار مردان بود، اما همواره در طول تاریخ زنانی هم بوده اند که در زمینه علوم شرعی به مقامات عالی می رسیدند. گفته اند که شیخه شهده ملقب به فخر النساء در مسجد جامع بغداد برای طلاب، علاوه بر علوم دینی، ادبیات و فنون بلاغی و شعر هم درس می داد (شبلی، ۱۳۶۱، ص ۲۶۷). نقش و پایگاه زنان در علوم ادبی بیش از علوم دینی بود، به ویژه در آن گروه از جوامع اسلامی که زمینه اجتماعی لازم برای پیشرفت آنان فراهم بود.

در آموزش بر تکرار مطلب و بحث روی دروس تکیه می شد و در حوزه های علمی به طور معمول به جای درس گفتن از اصطلاح مباحثه کردن استفاده می شده است. هر طلبه پس از آنکه یک یا چند درس را به اتمام می رسانید و به حد کمال می رسید، اجازه نامه ای برای تدریس یا روایت از مدرس خویش دریافت می کرد. مدرس در این اجازه نامه به نام مدرسان خود و گاه تالیفات آنها اشاره می نمود و درس و مطلب یا کتابی را که طلبه مزبور حق تدریس آن را می یافت، نام می برد.

### روش اداره مدارس

هر مدرسه موقوفاتی داشته که بانی و موسس مدرسه آن را برای تامین هزینه های مدرسه وقف می کرد. واقف در سندی موسوم به وقفنامه، املاک، دارایی و ابنیه موقوفه و چگونگی استفاده از آن، و روش اداره مدرسه و ملحقات آن را مشخص می کرد. به غیر از متولی، ناظر، مدرس و طلاب، مشخصات دیگر کارکنان مثل خادم، موزن، آبکش و غیره در برخی از وقفنامه ها مشخص می شد و برای هر یک حقوق و مستمری معینی در نظر می گرفتند؛ اما مهم ترین نکته در مورد مصارف وقف، هزینه نگهداری و تعمیر مجموعه موقوفه بود، چنان که از درآمد موقوفات، نخست مقداری که مربوط به حفاظت و نگه داری بود را از کنار می گذاشتند و سپس حقوق هر یک از افراد را بر حسب متن وقفنامه یا عرف جاری می پرداختند (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۳۹۸).

در تنظیم وقف نامه ها رسم بود که در پایان وقف نامه برای اندز متولیان و کسانی که قصد اهمال در اجرای وقفنامه را داشتند، آیه شریفه (پس هرگاه کسی بعد از شنیدن وصیت، آن را تغییر دهد و (بر خلاف وصیت رفتار کند) گناه این کار بر آنهاست که عمل به خلاف وصیت کنند، و خدا (به گفتار و کردار خلق) شنوا و داناست) (قرآن: سوره بقره، آیه ۱۸۱) را می نوشتند و لعنت نامه ای نیز در پی آن می آوردند (سلطان زاده، ۱۳۶۴، ص ۴۰۰).

### نتیجه گیری

در نتیجه، مقاله ای که به بررسی نحوه اداره مدارس از آغاز اسلام تا تاسیس دارالفنون می پردازد، نشان می دهد که این تحولات و تغییرات در نحوه اداره مدارس، نشان از یک فرآیند پویا و پیچیده دارند. از ابتدای اسلام تا تاسیس دارالفنون، مدارس به عنوان مکان هایی برای آموزش علوم دینی، عقلی و عملی شکل گرفته و نقش آموزش و پرورش به عنوان یک وظیفه مقدس و

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

حرفه‌ای در جامعه تغییر کرده است. این تحولات نشان از تأثیرات گسترده‌ای بر جامعه اسلامی دارند و نشان می‌دهند که نحوه اداره مدارس در این دوران‌ها به شکل قابل‌ملاحظه‌ای تغییر کرده است.

## فهرست منابع

۱. علاوه بر قرآن.
۲. ابن بطوطه، محمد بن عبد الله. ۱۴۰۲. کتاب سفرنامه ابن بطوطه. ترجمه‌ی محمدعلی موحد. تهران: کارنامه.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد. ۱۳۷۷. مقدمه ابن خلدون. قاهره: دار نهضة مصر.
۴. خواجه رشیدالدین فضل الله طیب. ۱۳۶۴. مکاتبات رشیدی. پنجاب: کلیه پنجاب.
۵. سلطان زاده، حسین. ۱۳۶۴. تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون. تهران: آگاه.
۶. شبلی، احمد. ۱۳۶۱. تاریخ آموزش در اسلام. ترجمه‌ی محمدحسین ساکت. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی. ۱۴۳۱. منیه المرید. بیروت - لبنان: موسسه التاريخ العربی.
۸. غزالی، ابو حامد. ۱۳۶۶. احیاء علوم الدین. ترجمه‌ی مویدالدین محمد خوارزمی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. فشاهی، محمدرضا. ۱۳۸۵. مقدمه‌ای بر سیر تفکر در قرون وسطی. تهران: گوتنبرگ.
۱۰. کرمانی، افضل الدین ابو حامد احمد بن حامد. ۱۳۲۶. تاریخ افضل یا بدایع الازمان فی وقایع کرمان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. مظاهری، علی اکبر. ۱۳۷۸. زندگی مسلمانان در قرون وسطا. ترجمه‌ی مرتضی راوندی. تهران: علم و هنر، صدای معاصر.
۱۲. مافروخی اصفهانی، مفضل بن سعد. ۱۳۸۵. محاسن اصفهان. محقق حسین بن محمد آوی. ترجمه محاسن اصفهان. اصفهان - ایران: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
13. Munir-ud-Din, Ahmed. 1968. *Muslim Education and The Scholar's Status up to The 5th Century*. Zurich: Verlag.

# How to manage schools from the beginning of Islam to the establishment of arts

Babak Norozi

*Bachelor's student in Mathematics Education, Farhangian University, Shahid Modares Kurdistan Campus, Tehran, Iran*

---

## Abstract

This article examines the changes and developments that have occurred in the way schools are managed since the time of Islam until the establishment of Dar al-Funun. At the beginning of Islam, schools were formed as places for teaching religious and intellectual sciences. During this period, schools were known as places for teaching religious sciences and Arabic and Persian languages. Teachers and professors were known as respected and respected people, and education was considered a sacred duty in the society. According to the aforementioned developments and changes, the way of running schools from the beginning of Islam to the establishment of Dar al-Funun can be considered as a dynamic and complex process that has had a wide impact on the Islamic society.

**Keywords:** schools, students, teachers, education, scholars, Dar al-Funun, Islam.

---